



مقایسه تطبیقی واحدهای همسایگی در بافت قدیم فشم و جدید میگون نو مبتنی بر اصول شهرسازی اسلامی و دوران مدرن غرب

سید امیر میرمحمدحسین فشمی^۱، سعیده محتشم‌امیری^{۲*}

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷)

چکیده

واحدهای همسایگی در گذر زمان دستخوش تغییرات و تحولات مهمی شده‌اند؛ با این وجود، هنوز به عنوان یکی از مهم‌ترین بسترها جهت تعاملات اجتماعی، ارتباطات و ارتقاء هویت جمعی محسوب می‌شوند. پژوهش حاضر در راستای بررسی ویژگی‌های واحدهای همسایگی در بافت قدیم فشم و جدید میگون نو و تطابق آن با ویژگی‌های شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب انجام پذیرفته است. این پژوهش از نوع پیمایشی و با رویکردی توصیفی-تحلیلی با هدف کاربردی تنظیم شده و اطلاعات به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته به دست آمده است. جامعه آماری، تمامی ساکنان بالای ۱۸ سال بافت قدیم شهر فشم و بافت جدید میگون نو را تشکیل می‌دهد که با استفاده از فرمول کوکران در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با فاصله اطمینان ۷ درصد، حجم نمونه برای بافت قدیم شهر فشم معادل ۱۸۲ و حجم نمونه برای میگون نو ۱۹۶ نفر محاسبه شده است؛ که برای اطمینان بیشتر در هر دو محدوده، تعداد ۲۰۰ نفر به صورت تصادفی مورد پرسش قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از پیمایش اجتماعی، از آمارهای استنباطی (میانگین‌های آماری) و برای وزندهی به شاخص‌ها از روش پنل متخصصان و کارشناسان بهره گرفته شده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که بافت قدیم فشم از منظر شاخص‌های سنجشی این پژوهش امتیاز ۲/۴۲- حاصل از مجموع میانگین‌های آماری ۳۱ شاخص بررسی شده در این پژوهش برای این بافت- و بافت جدید میگون نو امتیاز ۲/۵۸- حاصل از مجموع میانگین‌های آماری ۳۱ شاخص بررسی شده در این پژوهش برای این بافت- را کسب نموده است. از این نظر، بافت جدید میگون نو در قیاس با بافت قدیم فشم از منظر شاخص‌های سنجشی این پژوهش، بیشتر در تطابق با اصول دوره مدرن غرب گام برمی‌دارد (۸۰،۵۶ درصد) و بافت قدیم فشم تقریباً هویت گذشته خود را حفظ کرده (۷۶،۰۱ درصد) است و با ویژگی‌های شهرسازی اسلامی مطابقت بیشتری دارد.

واژگان کلیدی

واحد همسایگی، شهرسازی اسلامی، دوران مدرن غرب، بافت قدیم فشم، بافت جدید میگون نو.

* نویسنده مسئول مکاتبات: dr.mohtashamamiri@iau-tnb.ac.ir

© حق نشر متعلق به نویسنده (گان) است و نویسنده تحت مجوز Creative Commons Attribution License به مجله اجازه می‌دهد مقاله چاپ شده را با دیگران به اشتراک بگذارد منوط بر اینکه حقوق مؤلف اثر حفظ و به انتشار اولیه مقاله در این مجله اشاره شود.

۱. مقدمه

اسلام ارزش‌های تعالی جویانه‌ای را در زمینه شهر و محیط زندگی انسانی مطرح کرده که امروزه با ظهور فرهنگ جدید و غفلت از ابعاد معنوی انسان مورد بی‌مهری قرار گرفته است که احیاء این ارزش‌ها در شهرسازی معاصر امروزی، نیازمند تبدیل آن‌ها از حالت عام و کلی به صورت مسئله‌ای تخصصی است (Noghrekar et al., 2013). در این بین، یکی از مهم‌ترین ارزش‌ها، مفهوم واحدهای همسایگی است که با توجه به روایت‌ها و توصیه‌های بسیار زیادی که در اسلام در این باره شده و با توجه به روح و فضای مدرنیته که در رابطه با واحد همسایگی و ارتباطات همسایه که به نوعی در نقطه مقابل این تعالیم قرار می‌گیرد، امروزه جامعه ما را تا حد زیادی درگیر دوگانگی نموده است (Mirkotli, 2015). احادیث فراوانی که در دین اسلام در خصوص سفارش به همسایه و رعایت حق همسایه شده است، نشان می‌دهد که چقدر نقش همسایه در زندگی فرد مسلمان مهم و تأثیرگذار است؛ و تا چه اندازه می‌باید در ابعاد مختلف مفهوم و حضور همسایه، چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی را مدنظر قرار داد.

هرچند که اصطلاح و مفهوم واحدهای همسایگی در جوامع بزرگ کنونی دستخوش تحولات مهمی شده است ولی در عین حال، هنوز یکی از مهم‌ترین بسترها جهت تعاملات اجتماعی محسوب می‌شود (Mehdizadeh et al., 2016, p. 343-344). بافت فیزیکی شهر، نحوه قرار گرفتن دیوارها و معبرهای خانه و یا شهر را نشان می‌دهد (Nasr, 2015, p. 68). این بافت‌ها تسهیل‌گر رفتار و کنش انسان‌هایی هستند که در داخل آن‌ها سکونت دارند و یا زندگی می‌کنند. روال زندگی در شهر نیز به همین ترتیب تابع طراحی بافت فیزیکی شهر است؛ یعنی سبک زندگی شهری را بافت فیزیکی شهر معین می‌کند. در این میان عواملی هستند که بین روابط انسانی و اجتماعی و بافت فیزیکی منزل یا شهر رابطه برقرار می‌کنند (Navabakhsh & Rafiei Far, 2008). اینکه چگونه روابط اجتماعی در بافت فیزیکی انعکاس داده شود و چگونه در طراحی تجلی یابد، تابع عواملی است که با عنوان تکنولوژی یا فناوری شناخته می‌شوند؛ بنابراین، تکنولوژی رابطی بین روابط اجتماعی و بافت فیزیکی است. هر سه عامل روابط اجتماعی - که نشانه سبک زندگی است - تکنولوژی و بافت فیزیکی در فرهنگ‌های منسجم متناظر یکدیگرند. مناسبات اجتماعی و به عبارت دیگر، سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی غربی تفاوت‌هایی دارد. تفاوت عمده اینکه در سبک حقیقی زندگی اسلامی همه امور برای نزدیکی به خداوند است (قربه الی الله) و سبقت در خیرات و جبهه همت مسلمانان است؛ اما در سبک زندگی غربی، هدف احیای انسان‌گرایی، سودجویی، منفعت‌طلبی و همانند آن است (Zahed Zahedani, 2019, p. 86).

محل‌ها همواره به عنوان بخشی از ساختار شهر در طول تاریخ از جایگاه و موقعیت خاصی برخوردار بوده‌اند (Jige Quan, 2019)، این جایگاه با وقوع انقلاب صنعتی به دلیل روند پرشتاب تغییر در جسم و روح شهرها تا حدی متزلزل گشت و منجر به ناکارآمدی محل‌ها شد، روند فوق با ورود اصل مدرنیسم به شهرها ادامه پیدا کرد تا آنکه تراکم نامتعادل، ماشین محوری و فقدان سرمایه‌های اجتماعی در محل‌ها منجر به نارضایتی ساکنان خود گردید (Pourahmad & Wafaei, 2017).

در جوامع غیر غربی، از جمله کشور ایران، طی سال‌های اخیر، با به‌کارگیری دانش مهندسی غربی، بافت‌های فیزیکی برگرفته از سبک زندگی غربی به جامعه تحمیل شده است. به عنوان مثال، امروزه آپارتمان‌نشینی رایج‌ترین نوع طراحی مسکن در شهرهای ایران است. مقایسه طراحی آپارتمان‌ها با سبک معماری سنتی و بومی در جامعه نشان می‌دهد که این تکنولوژی (تکنولوژی آپارتمان‌سازی) روابط خانوادگی مردم ایران را بیشتر به سوی سبک زندگی غربی سوق داده و تا حدی از سبک زندگی بومی و سنتی جدا کرده است. مطالعه فضاهای مختلف شهرهای ایرانی در طول تاریخ نشان می‌دهد که محلات قدیمی از منظر کیفیت تعاملات اجتماعی، همبستگی بین ساکنین، حس تعلق و هویت جمعی، موفق‌تر عمل کرده و انطباق بیشتری با اصول شهر اصیل اسلامی داشته‌اند.

شهرهای فشم و میگون نو که در منطقه رودبار قصران در شهرستان شمیرانات واقع شده‌اند نیز از این قاعده مستثنا نیستند. در

طی سال‌های اخیر، این دو محدوده، همواره با دوگانگی روبرو بوده‌اند؛ از یک سو قدمت این مناطق زیاد است و ساکنان بومی قابل توجهی دارد که نسل به نسل در این منطقه حضور داشتند و کماکان از این طریق سنت‌ها، سینه‌به‌سینه منتقل گشته است؛ اما در مقابل، این محدوده با توجه به جاذبه‌های طبیعی و آب‌وهوای مطبوع و نزدیکی‌اش به شهر تهران، همواره مقصد سرمایه‌گذاری و تفرج‌گاه قشر مرفه جامعه بوده است؛ بدین ترتیب، به تبع ورود افراد غیربومی و ساخت‌وسازهایی که بیشتر تحت تأثیر فرهنگ غرب هستند، سبک زندگی بیگانه‌ای وارد منطقه شده است که باعث به وجود آمدن تغییراتی در کالبد و روح منطقه گشته است. با این تفاسیر، پژوهش حاضر در راستای بررسی ویژگی‌های واحدهای همسایگی در بافت این دو محدوده و تطابق آن با ویژگی‌های شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب انجام پذیرفته است. در حقیقت، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که واحدهای همسایگی در بافت قدیم فشم و میگون نو بیشتر با شهرسازی اسلامی تطابق دارند یا با شهرسازی دوره مدرن غرب مطابقت بیشتری دارند؟

۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در راستای بررسی ویژگی‌های واحدهای همسایگی در بافت قدیم فشم و جدید میگون نو و تطابق آن با ویژگی‌های شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب انجام پذیرفته است. روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از حیث روش، توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش پس از مرور مبانی و مفاهیم نظری از جمله مفهوم واحدهای همسایگی، ویژگی‌های واحدهای همسایگی در شهرسازی اسلامی و دوران مدرن غرب، از برآیند این ویژگی‌ها به تدوین چارچوب سنجشی این پژوهش مبتنی بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های سنجشی مبادرت شده است تا بافت‌های قدیم و جدید فشم و میگون نو با توجه به این شاخصه‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند (جدول ۱).

در این تحقیق به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق از روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی استفاده شده است. بدین ترتیب که در بیان ابعاد و مفاهیم نظری، پیشینه تحقیق، ویژگی‌های جغرافیایی محدوده‌های مورد مطالعه از روش اسنادی و به منظور سنجش محدوده‌های مورد مطالعه و تطبیق آن‌ها با ویژگی‌های شهرسازی اسلامی و دوران مدرن غرب از روش میدانی استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بوده که در آن جامعه آماری پژوهش، تمامی ساکنان بالای ۱۸ سال بافت قدیم شهر فشم و بافت جدید میگون نو بوده‌اند که برای برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با فاصله اطمینان ۷ درصد، حجم نمونه برای بافت قدیم شهر فشم معادل ۱۸۲ نفر و برای بافت جدید میگون نو معادل ۱۹۶ نفر محاسبه شد که برای اطمینان بیشتر تعداد ۲۰۰ نفر در هر یک از این بافت‌ها به صورت تصادفی مورد پرسش‌گری قرار گرفتند.

به منظور تعیین روایی پرسشنامه، از اعتبار محتوایی (نظر متخصصان) و برای پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار آن برای این پژوهش ۰/۸۴۶ بوده که نشان از پایایی مطلوب پرسشنامه توزیع شده بین ساکنان بافت قدیم و جدید فشم و میگون نو دارد. همچنین در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از پیمایش اجتماعی از آمارهای استنباطی (میانگین‌های آماری) بهره گرفته شده است. در حقیقت، از مقایسه میانگین‌های آماری به دست آمده برای هر یک از این شاخص‌ها (بر اساس کدگذاری صورت گرفته در پرسشنامه توزیع شده بین پرسش‌شوندگان این پژوهش) در بافت قدیم فشم و بافت جدید میگون نو مشخص شده که کدام یک از بافت‌ها بیشتر با اصول شهرسازی اسلامی یا اصول دوران مدرن غرب تطابق دارد.

جدول ۱: چارچوب سنجشی پژوهش

مفهوم	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
ب- بررسی نام‌ها و دوان غرب شهرسازی اسلامی و اصول مطابق آن با اصول شهرسازی مدرن غرب و همچنین تطبیق بین آنها	اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> - همبستگی اجتماعی در کارها - میزان حس تعلق ساکنان به محل سکونت - وجود شکل‌های مذهبی در محله - وجود داشتن مفهوم محله در بافت شهر - اعتماد و امنیت نسبت به همسایه‌ها در محله - شناخت همسایگان و افراد محله - وجود نسبت فامیلی در محله - آزادی ساکنان در فضاهای شهری و محله - رعایت حق همسایه از منظر آزار و اذیت - تشخیص قلمرو محله توسط ساکنان - تعامل میان همسایه‌ها در سطح محلات - تشخیص ورود افراد غریبه به محلات توسط ساکنان
	فرهنگی - مذهبی	<ul style="list-style-type: none"> - گردآمدن محلات متأثر از عواملی مانند قوم، نژاد، فرهنگ و غیره - وجود مسجد در ناحیه‌های شهری - میزان پویایی مسجد و برگزاری نمازهای جماعت در آن - برگزاری مراسمات دینی مانند محرم و شعبان در سطح شهر - حفظ آداب و رسوم گذشته - اهمیت مذهب برای افراد محله - رعایت پوشش اسلامی در محله - استفاده از اسامی معنوی و شهدا در نام‌گذاری کوچه‌ها - سنت وقف در سطح محلات شهر - پخش شدن اذان در ساعات اوقات شرعی در سطح شهر - وجود عالم دینی و در دسترس بودن آن در سطح شهر - برگزاری راهپیمایی‌های مذهبی مانند روز قدس در سطح شهر - وجود پوشش‌های نامتعارف یا خودروهای لوکس در سطح شهر - مهم بودن حفظ حریم خصوصی برای اهالی محله
	کالبدی	<ul style="list-style-type: none"> - وضعیت دسترسی در محلات - وجود معماری و مدل‌های متنوع و نامتعارف در محله - وضعیت ارتفاعی ساختمان‌های محله
	نهادی	<ul style="list-style-type: none"> - مدیریت و حل و فصل مسائل و مشکلات به صورت کدخدانمشی - اعتماد ساکنان به همسایگان

۳. پیشینه پژوهش

در باب موضوع پژوهش حاضر باید اذعان داشت که تاکنون پژوهش آکادمیکی در سطح کشور در این محدوده (فشم و میگون نو) با این رویکرد به رشته تحریر درنیامده است و اصولاً موضوعاتی مانند واحدهای همسایگی، شهرسازی اسلامی و شهرسازی دوره مدرن غرب به صورت جداگانه مطرح شده‌اند؛ اما تبیین و قیاس دو فلسفه در این نمونه‌های موردی باهم رخ نداده است؛ بنابراین پژوهش حاضر هم از جنبه محدوده مورد بررسی و جامعه انتخابی نوآوری دارد و هم از منظر رویکرد تطبیقی تاکنون چنین بررسی در این محدوده انجام نشده است. همچنین به‌طور کلی از منظر فعالیت‌های علمی و پژوهشی در حوزه شهر و شهرسازی در محدوده‌هایی همچون فشم و میگون نو که مدنظر این تحقیق بوده‌اند، فعالیت قابل توجهی وجود نداشته است؛ لذا در این بخش به برخی از پژوهش‌هایی که ارتباط محتوایی با موضوع این پژوهش دارند، اشاره می‌شود.

نقشه‌الاسلامی و امین‌زاده در پژوهشی به بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به‌کاررفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که تفاوت بنیادینی در پیدایش و شکل‌گیری مفهوم محله در شهرنشینی ایرانی و واحد همسایگی غرب وجود دارد که می‌توان اولی را قلمرویی اجتماعی برای سکونت و دومی را قلمرویی کالبدی برای برخی مفاهیم اجتماعی دانست. در انتهای مقاله در قالب جدولی، به مقایسه تطبیقی بین دو محله فهادان در یزد (نمونه محله اسلامی) و واحد همسایگی در شهر رادبرن (نمونه غربی) از منظر ویژگی‌هایی همچون مساحت، مرکزیت، عناصر شاخص، کیفیت محصوریت، شکل مرکز و عناصر مرکز، ارتباط قلمرو با واحدهای دیگر و مرکز شهر و مواردی دیگر پرداخته شده است (Thaghah Al-Islami & Aminzadeh, 2013).

پوراحمد و وفایی در مطالعه‌ای تحت عنوان مقایسه تطبیقی ساختار شهر اسلامی با شهر غربی (با تأکید بر نظریه شهر ماکس وبر) به دنبال پاسخ این سؤال بوده‌اند که بر اساس مؤلفه‌های شهری برشمرده شده در نظریه ماکس وبر ساختار شهرهای اسلامی را مورد بحث و بررسی قرار دهند و به این پرسش‌ها پاسخ دهند: ۱- آیا جامعه شهری اسلامی در طول تاریخ دارای ویژگی‌های جامعه شهری مورد نظر وبر بود؟ ۲- آیا شهرهای حوزه تمدن اسلامی دارای سازمان اجتماعی- فضایی متمایز نسبت به دیگر حوزه‌های تمدنی بوده‌اند؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد، اظهارات وبر در خصوص رد تعبیر شهر اسلامی به دلیل نداشتن مؤلفه‌هایی همچون انجمن‌های صنفی و استقلال حقوقی و سیاسی در آنها تعبیری ناقص است و در خصوص مقایسه تطبیقی ساختار شهرهای اسلامی با صورت اجتماعی شهر مورد نظر وبر که در سه- سه موضوع حقوق شهروندی ساکنان شهر، تشکیل اصناف و مشارکت مردم در اداره شهر خلاصه می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد شهرهای اسلامی گرچه در برخی وجوه کالبدی و اقتصادی مشابه با شهرهای غربی هستند، ولی در گروه اجتماع شهری مورد نظر وبر قرار نمی‌گیرند (Pourahmad & Wafaei, 2015).

امینی حاجی باشی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تطبیقی الگوی رایج ریخت‌شناسی شهرهای ایران و اروپا در دوره مقارن با اسلام (مطالعه موردی: شهر ری در ایران و سیه‌نا در ایتالیا) به دنبال تمایزات کالبدی شهرسازی ایرانی- اسلامی در مقایسه با شهرسازی مقارن آن در اروپای قرون وسطی بوده‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت‌ها و شباهت‌های ناشی از امور طبیعی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و شرایط نظامی- سیاسی و ساختار حکومتی در شهرها از جمله علل اساسی تنوع کالبدی شهر در نقاط جغرافیای مختلف است که هویت مکان‌ها را شکل می‌دهد (Amini Hajibashi et al., 2019).

سلیمان‌زاده و همکاران در پژوهشی به مدل مفهومی ارزیابی شاخص‌های فضای معماری بر مبنای تطبیق دیدگاه‌های غربی و ایرانی- اسلامی اقدام نموده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها گویای این مطلب است که شاخص‌های فضا در بستر معماری ایرانی- اسلامی، به شیوه‌ای متعادل، مبهم و یا رازآمیز ظاهر گردیده که از این نظر مشابهت‌هایی با تفکر فضایی غالب در دوران پست‌مدرن داشته و همچنین از دوره‌های دیگر معماری غرب کاملاً متمایز می‌شود (Souleimanzadeh et al., 2019).

شکری یزدان‌آباد و همکاران در پژوهشی به سنجش ارزش‌های ایرانی اسلامی و انسانی در ادوار دگردیسی شهر از بافت سنتی به مدرن و شیوه حفظ آن در شهرهای آینده پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که مفاهیمی نظیر طبیعت‌محوری، خدامحوری، جامعه‌محوری (اجتماع‌پذیری) و همچنین اقتصاد، در سیر دگردیسی بیان شده و برخی مفاهیم مانند جامعه‌محوری (ارتباطات جهانی) پررنگ‌تر شده است (Shukri Yazdan Abad et al., 2019).

مطهر و همکاران در پژوهشی به مقایسه تطبیقی محله‌های نوساز و قدیمی مبتنی بر هویت (اسلامی- ایرانی) در شهرسازی (نمونه مطالعاتی: حکیمیه و نارمک شهر تهران) پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که معیارهای هویت محله‌ای در محلات با ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی گوناگون، متفاوت است. طوری که میانگین امتیازات این معیارها در محله قدیمی نارمک بیشتر از

محله نوساز و جدید حکیمیه است (Motahar et al., 2021).

توزنده‌جانی و فرزاد بهتاش (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی آثار مدرنیسم در شهرسازی ایرانی-اسلامی (مورد مطالعه: شهر تبریز) اقدام نموده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که ازجمله آثار مثبت مدرنیسم رونق شهرنشینی و افزایش میزان ساخت‌وسازها و از مهم‌ترین آثار منفی مدرنیسم در شهرسازی تبریز از دست رفتن چهره سنتی آن، فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی، تغییرات ناموزون و بدقواره کالبدی شهر تبریز، افزایش حاشیه‌نشینی با مهاجرت روستاییان به شهر است (Tozandeh Jani & Farzad Behtash, 2022).

۴. مبانی نظری پژوهش

شهر به‌عنوان نقطه اوج گردهمایی و تجمع انسان‌ها از ابتدا تاکنون بوده و نقش بسزایی در آغاز تمدن بشری داشته است (Mohajan, 2019). همواره از زمان‌های گذشته هر مکتبی اصولی در شهرسازی خود داشته است؛ اما رفته‌رفته به علت رشد روزافزون شهرنشینی، چالش‌هایی نیز در رابطه با مایشینی شدن انسان‌ها و از بین رفتن روح انسانیت ایجاد گشته است. بدین ترتیب، تاریخ معاصر بشریت با پدیده و فعالیتی تخصصی به نام شهرسازی مواجه شد (Randolph & Storper, 2023). ازجمله مفاهیم نسبتاً جدیدی که بعد از مدرنیته در شهرسازی مورد توجه قرار گرفت، اصطلاح واحد همسایگی بوده که توجه بسیاری از شهرسازان را به خود معطوف ساخته است. درصد زیادی از این توجه را می‌توان ناشی از نوع شهرسازی مدرن دانست که در آن به روح انسان و روابط بینشان توجهی نشد و حاصل این نوع شهرسازی، انسان‌ها و شهروندهایی باروحیه ماشینی و پیامدهایی منفی است (Vidarthi, 2015).

بسیاری از جامعه‌شناسان شهری معتقدند که ایجاد نهادی جدید تحت عنوان واحد همسایگی برای ارتباط متقابل و رودرری ساکنان شهرها، مانند محله‌های قدیمی ضرورت حیاتی دارند. به نوعی کلیه مسائل مربوط به مسکن، مشارکت شهروندان، توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی، احساس امنیت، ارتقاء سواد و مسائل زیست‌محیطی، همگی با واحد همسایگی در ارتباط است (Rohe, 2009). از این منظر، واحد همسایگی، در تغییرات بسیاری از ویژگی‌های شهر تأثیرگذار است و رعایت کردن یا نکردن، اصول و قواعد آن می‌تواند پیامدهایی جدی به همراه داشته باشد. (جدول ۲) به خلاصه‌ای از اندیشه‌های نظریه‌پردازان در باب واحدهای همسایگی می‌پردازد.

در اکثر مطالعات و پژوهش‌های تاریخی، دوران مختلف شهرنشینی در ایران به دو قسمت، دوران قبل و بعد از اسلام تقسیم شده است. در هر دو تاریخ، پیشینه شهرسازی ایران بسیار شکوهمند و غنی است. سبک زندگی مردم ایران در حیطه‌های مختلف، با ورود دین اسلام و پذیرش و تأثیر گرفتن از آن، تغییرات محسوس کرده است؛ ازجمله این‌که شهرسازی‌اش تلفیقی از سبک ایرانی و اسلامی شد و در ادامه در دوران معاصر، با تأثر از غرب، در فضای فرهنگی خود مانند چگونگی پوشش در جامعه و همچنین گسترش شهر، راه‌سازی‌ها و غیره تغییراتی عمده را تجربه کرد (Shieh, 2005, p. 190).

مقایسه تطبیقی دو الگوی ایرانی و غربی واحد همسایگی نشان می‌دهد که زمینه اصلی پیدایش و شکل‌گیری مفهوم واحد همسایگی سنتی ایرانی-اسلامی بر اساس مفهوم اجتماعی از سکونت بوده و از این حیث، واحد همسایگی فضای کالبدی مناسبی را برای زندگی یک گروه اجتماعی فراهم می‌نموده است؛ درحالی‌که زمینه اصلی شکل‌گیری و پیدایش واحد همسایگی در شهرسازی معاصر غرب مفهومی کالبدی-فضایی و قلمرویی کالبدی بوده که پشتیبان مفاهیم اجتماعی است. این دو نگرش متفاوت به مفهوم واحد همسایگی در تعیین و تعریف مرزهای کالبدی، عنصر شاخص واحد همسایگی و نیز اصول شکل‌دهنده آن نیز نقش داشته است (Thaghah Al-Islami & Aminzadeh, 2013, p. 5).

جدول ۲: خلاصه‌ای از اندیشه‌های نظریه‌پردازان در خصوص واحد همسایگی (Mirkatoli, 2015)

ردیف	نظریه	مشخصه‌ها
۱	باغشهر ابنزرهاوارد (۱۹۰۸)	دسترسی به خدمات شهری، مهاجرت، وجود عناصر طبیعی، امنیت، سلامت، اعتماد.
۲	پاتریک گدس (۱۹۱۵)	وجود پارک و سایر تفریحات، دسترسی به خدمات شهری
۳	کلرنس اشتاین (۱۹۰۰)	توجه به نحوه‌ی قرارگیری خیابان‌ها و مساکن، میزان دسترسی به خدمات شهری، وجود عناصر طبیعی، امنیت، اعتماد.
۴	تئوری سلامت روان (۱۹۶۱)	ایجاد محیط‌های عاطفی، حفظ ارزش‌ها و سنت‌ها، توجه به راه‌ها، تلفیق کاربری‌های مختلف، امنیت، سلامت روان.
۵	نظریه اصالت‌بخشی (۱۹۶۱)	اصلاح و بهبود مسکن، هماهنگی بین بخش‌های مختلف، جلوگیری از طبقاتی شکل گرفتن جامعه از نظر میزان درآمد.
۶	مدیریت شهری (۱۹۷۶)	نزدیک کردن عوامل مختلف شکل‌دهنده محله‌ها، ایجاد انسجام در محله‌ها، مشارکت در محله‌ها.
۷	مشارکت شهری (۱۹۶۰)	مشارکت در کارها، اعتماد، امنیت.
۸	ترنر و فیچر (۱۹۷۰)	ارتباط با سایر ساکنان، مشارکت، اعتماد.
۹	مامفورد (۱۹۵۴)	ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان.
۱۰	رادبرن	مشکل از ۳ واحد همسایگی که در هر واحد حدود ۷۵۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر سکونت داشتند، حدود هر واحد همسایگی طبق شعاع عملکرد یک مدرسه ابتدایی نیم مایل یا حدود ۸۰۰ متر. استفاده از ایده کلان بلوک.
۱۱	کلارنس پری (۱۹۲۲)	دسترسی به خدمات شهری، ایجاد آرامش و سلامتی، توجه به قشرهای مختلف، مشارکت و اعتماد در کارها، امنیت، اصلاح و بهبود مسکن، وجود عناصر طبیعی
۱۲	اسلامی	عدالت اجتماعی، استحکام خانواده، ایجاد فضای سبز، توجه به راه‌ها، ساخت منازل وسیع، قومیت.

شهرسازی اسلامی تأکیدات بسیاری بر نوع معماری و بناها و رعایت حق همسایه در واحد همسایگی شهر دارد. در شهر اسلامی رفت‌وآمد در محلات بین اهالی به‌عنوان ستون فقرات امت است (Okhovat et al., 2014, p. 24). پیاده‌محور بودن محلات محاسن زیادی دارد. از جمله ایجاد امنیتی نسبی در محله، وجود آرامش و نبود سروصدای وسایل نقلیه در بافت مسکونی محلات و در نهایت پیاده‌محور بودن محلات سبب ایجاد روابط اجتماعی بیشتر بین ساکنان محله می‌گردد. داشتن روابط اجتماعی در محله موجب فایده رساندن به یکدیگر نیز می‌گردد (Naghizadeh, 2019, p. 114-116). از سوی دیگر، در شهر اسلامی دانستن حدود مسافت بسیار مهم است؛ چراکه بسیاری از احکام دینی منوط به دانستن مسافت و حدود شرعی است که این امر نیز نشان‌دهنده اهمیت مسجد در شهرسازی اسلامی بوده است. همچنین ساخت‌وساز در شهر اسلامی به‌صورت عمودی نهی گردیده است و توصیه بر گسترش شهر به‌صورت افقی بوده تا شهروندان از داخل شهر افق آسمان را رؤیت کنند (Araki, 2019, p. 65).

مدرنیسم در معماری و شهرسازی، آن مبانی که شهرهای بزرگ اروپا را ساخته‌اند، دور انداخت و تمامی کوشش‌هایی را که برای انطباق با زمان گذشته انجام گرفته بود، چه گذشته یونانی، چه رومی و چه گوتیک، کنار گذاشت. مدرنیسم سبک‌های کلاسیک، ستون‌ها، گچ‌بری‌ها و حاشیه‌های تزئینی را بی‌اعتبار کرد. خیابان‌ها را به‌عنوان نخستین فضای عمومی و نمای سردرها و ساختمان را به‌عنوان چهره‌های عمومی ساختمان رد کرد (Linsey, 2021). از این منظر، در شهرسازی مدرن ابزار مهم‌تر از خود هدف انگاشته می‌شد و به نوعی هدف وسیله را توجیه می‌کرد و فقط به رفع نیازهای روزمره توجه می‌شد و روح انسانیت در زیر

چرخ‌دنده‌های مدرنیته نابود شده بود (Rahnemai, 2016, p. 132-135). (جدول ۳) به شاخصه‌های شهرسازی اسلامی و دوران مدرن غرب اشاره دارد.

جدول ۳: شاخصه‌های شهرسازی اسلامی و دوران مدرن غرب (Noghrekar et al., 2013; Shafii, 2000)

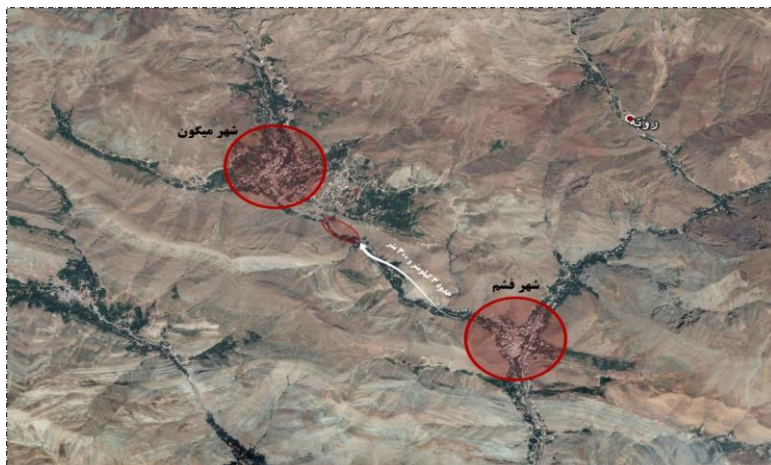
شاخصه‌های شهرسازی دوران مدرن غرب	شاخصه‌های شهرسازی اسلامی
<ul style="list-style-type: none"> • قطع ارتباط با گذشته و نگرش معطوف به آینده • ساختار زدایی، جهان‌گرایی، مدل‌سازی و بی‌طرفی ارزشی سبک و دکور • عقلانیت، تمامیت‌خواه، کارکردگرایی، استعاره ماشینی «شکل تابع کارکرد»، «تکنولوژی» و «تمایز کارکردی» • اعتقاد به رهایی انسان، بشردوستانه، دارای اهداف سیاسی اعتقاد به پیشرفت خطی، علم، عقل، تکنیک مداری و قطعیت ایمان • ضد سرمایه‌داری، متکی به اقتدار دولت و مداخلات گسترده دولت و سوسیالیسم دموکراتیک • هنر ابزار نیل به مقاصد سیاسی و پیشگام بودن طراح و معمار • ساخت‌وساز بناهای جدید • بهره‌گیری از عواطف و احساسات در خدمت مقاصد سیاسی • توجه خاص به استفاده از طرح‌های جامع • تأکید بر متخصصان معمار و شهرساز • برنامه‌ریزی گسترده، فراگیر و نامنعطف 	<ul style="list-style-type: none"> □ انجام مراسمات دینی و گاهی انجام آن‌ها در عرصه عمومی شهر □ وجود تکایا و هیئت‌ها □ نبود وسایل نقلیه پرسروصدا و وجود آرامش □ وجود نماها و یادمان‌های مذهبی و مقدس (اسماء شهدا و غیره بر روی کوچه‌ها و غیره) □ نظارت بر فضاهای شهری در راستای جرائم (امربه معروف و نهی از منکر) □ شیوه‌های پایدار در تأمین نیازمندی‌های اجتماعی (سنت وقف) □ مشارکت شهروندان در آبادی محل سکونت خویش □ مرز همسایگی و مبنای شناخت ۴۰ خانه از هر سمت □ پخش اذان در سطح شهر □ سکونت داشتن عالم دینی در سطح شهر و دسترسی داشتن به آن □ رعایت حق همسایه در ارتفاع بنا و بهره‌مند بودن یکسان از مواهب باد و نور خورشید و غیره □ ممنوعیت در برج‌سازی و ارتفاع زیاد بنا و حتی در داخل خانه و سقف آن □ معماری ساده و دوری از تجملات (البته به معنای حقیر زیستن نیست). □ حفظ همگونی ظاهری و عدالت اجتماعی و عدم ظهور اختلاف طبقاتی، خانه‌های مسکونی به خصوص از خارج، از بعد حجم، ارتفاع، فرم مواد، مصالح و رنگ وحدت و هماهنگی داشته باشد و متضاد و دوگانه نباشد. □ هیچ چیزی نباید نامتعارف باشد که باعث انگشت‌نما شدن شود؛ حتی در نوع پوشش و ماشین و غیره □ حفظ حریم خصوصی ساکنان خانه □ تبدیل نشدن خانه به منشائی برای آزار و اذیت دیگران

۵. معرفی محدوده مورد مطالعه پژوهش و ویژگی‌های واحدهای همسایگی

فشم: یکی از شهرهای قدیمی شهرستان شمیرانات است که قدمت آن به دوران زرتشتیان و آتش‌پرستان قبل از اسلام برمی‌گردد. این شهر از نظر جغرافیایی بین طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۱ دقیقه و ۴۳ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۵۵ دقیقه و ۵۶ ثانیه شمالی و در شمال شرقی تهران قرار دارد. شهر فشم از نظر همسایگی و حدود جغرافیایی از جنوب با شهر اوشان، از جنوب غربی با روستاهای باغ گل و ایگل، از غرب با روستای آهار، از شمال و شمال غربی با شهر میگون، از شمال و شمال شرقی با روستای روته و از شرق و جنوب شرقی با روستای امامه هم‌مرز است (شکل ۱).

اهالی بومی این شهر از ۷ طایفه تشکیل شده‌اند که در گذشته هرکدام از این طوایف در قسمتی از بافت آبادی سکونت داشتند که امروزه با گسترش شهر، ازدواج با طوایف دیگر، مهاجرت‌ها، خرید و فروش و عوامل دیگر، این مرزبندی تقریباً از بین رفته است. قلعه‌ای تاریخی، گورهای باستانی و آثاری که از حفاری‌ها به دست آمده، نشان از تاریخ بسیار قدیمی این محدوده دارد. از منظر عناصر شهر اسلامی نیز این محدوده از غنای بالایی برخوردار است. وجود چندین مسجد و مسجد جامع، فضاهایی همچون حسینیه، تکایا، مدارس و بسیاری از موارد دیگر موجب شده است تا از لحاظ مطالعه طراحی محلات در دوران اسلامی بررسی این محدوده بسیار ارزشمند باشد. از سویی مطالعات و بررسی‌های اندکی در خصوص این محدوده صورت گرفته است که نیاز به تحقیقات بیشتری را در این زمینه می‌طلبد. با توجه به تاریخچه قدیمی این منطقه و حفظ تقریبی بافت قدیمی و محلی، این فضا، محدوده‌ای مناسب برای بررسی عوامل کالبدی و تأثیر آن بر شکل‌گیری روابط و ارتباطات اجتماعی است. در محدوده فشم،

مسجد جامع نقش بسیار مؤثری را در فضای زیست مردم، حتی در دوران معاصر ایفا می‌کند و همچون گذشته، موقعیت کلیدی و محوری خود را حفظ کرده است. مسجد، در ایام اعیاد و عزاداری‌ها خصوصاً ایام تا سوعا و عاشورا یکی از مراکز مهم جهت برگزاری مراسم و حضورپذیری مردم در فضای شهری است.



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی شهر فشم و میگون نو در منطقه رودبار قصران در شهرستان شمیرانات (Google Earth)

هر واحد همسایگی به وسیله راه‌های اصلی احاطه می‌شود که این راه‌ها پذیرش ترافیک سنگین‌تری را دارا هستند (شکل ۲). پهنه‌های تجاری باعث شده تا نیازهای روزمره در داخل واحد همسایگی رفع گردد و مغازه‌های محلی و راه‌های داخلی، اساس کار به شمار رفته و این مورد یکی از عوامل عدم ورود ترافیک گذری به درون بافت است که آرامشی نسبی را برای این محدوده به دنبال دارد. ویژگی‌های کالبدی شبکه راه‌های واحد همسایگی به گونه‌ای است که برای افراد، عبور از خیابان‌های کناری از مزیت نسبی، نسبت به راه‌های داخلی برخوردار است که برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- عریض بودن راه کمربندی و کناری پیرامون واحد همسایگی و عرض کم راه‌های داخلی بافت؛
- عدم امکان آشنایی و جهت‌یابی درست در بافت داخلی برای کسانی که به محیط آشنا نیستند.

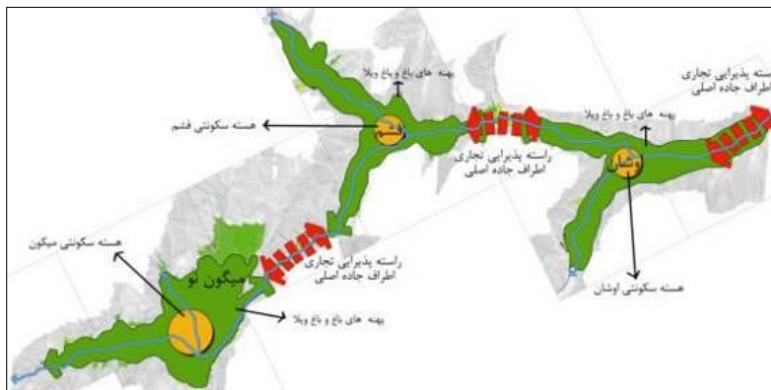
با توجه به جمیع موارد ذکر شده می‌توان دریافت که این محدوده ظرفیت بسیار مناسبی را برای حضور مردم در فضای شهری با امنیت بالا و آسایش فراهم کرده است و خاصیت محلی بودن خود را حفظ نموده و موجب افزایش ارتباطات مردم با یکدیگر در فضای شهری شده است. می‌توان اذعان داشت که بافت قدیم فشم محدوده‌ای پیاده‌محور است و از این رو ارزش بالای حضورپذیری مردم برخوردار است. در این محدوده، تفکیک بلوک‌ها و ساختمان‌ها از یکدیگر به گونه‌ای است که حداکثر حریمیت به دست آمده و واحدهای مسکونی کمترین اشرافیت را نسبت به هم دارند. بلوک‌ها دارای دو جبهه هستند؛ که جبهه جلویی با خیابان و یا کوچه اصلی ارتباط دارد و محل انجام فعالیت‌های عمومی خانواده است و جبهه پشت ساختمان نیز حریمی کاملاً خصوصی دارد و حریمیت آن به‌طور کامل در نظر گرفته شده و محلی برای فعالیت‌های کاملاً خصوصی افراد و خانواده‌ها است. تردد و تماس افراد غریبه با واحدهای مسکونی از جبهه‌های جلویی ساختمان صورت می‌گیرد و جبهه پشت ساختمان محل تردد رسمی واحد مسکونی نیست و در بافت شهری و واحد همسایگی خودرویی تردد نمی‌کند. با توجه به بومی بودن اکثر ساکنین بافت قدیم شهر فشم و با توجه به ارتفاع کم ساختمان‌ها که عمدتاً کمتر از ۴ طبقه هستند، اهالی شهر و ساکنین ساختمان‌ها اغلب یکدیگر را می‌شناسند و این شناخت و نسبت‌های فAMILI باعث ایجاد امنیتی نسبی در شهر شده است (Mir Mohammad Hossein Fashami & Mohtasham Amiri, 2022).



شکل ۲: معابر عمومی شهر فشم (Municipality of Oushan, Fasham and Meygoon)

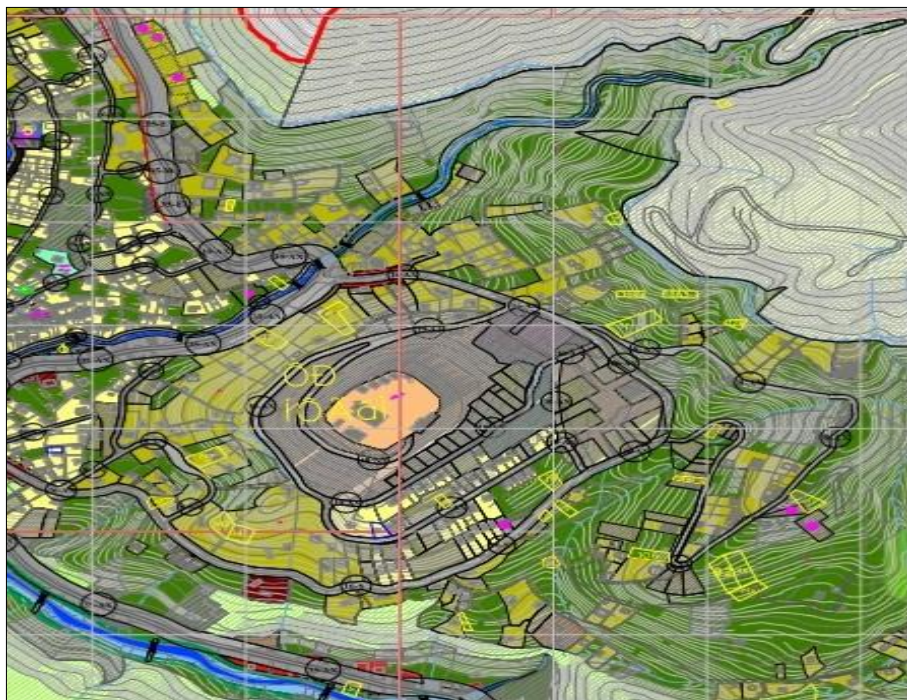
رنگ زرد کمرنگ در (شکل ۲) نشان‌دهنده بافت مسکونی قدیم فشم است و همان‌طور که در نقشه مشخص شده، راه‌های مواصلاتی در محلات به صورت پیاده‌محور است و بارنگ قرمز مشخص گردیده است. رنگ طوسی نمایانگر راه‌های ماشین‌رو است که دورتادور بافت فشم را با خیابان اصلی ۳۵ متری احاطه کرده و چندراه ماشین‌رو که آن‌هم بارنگ طوسی در نقشه آمده، با عرض کمتر به داخل بافت نفوذ کرده است. لذا با توجه به مطالب فوق و نقشه مذکور، بافت قدیم فشم را می‌توان بیشتر پیاده‌محور دانست تا سواره‌محور.

میگون نو: از دیگر شهرهای شهرستان شمیرانات است که در ابتدا زیر نظر ناحیه شهری میگون اداره می‌شد؛ اما با گسترش شهر و ساخت‌وساز، میگون نو یک ناحیه شهری مستقل شد. این شهر از نظر جغرافیایی بین طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۹ دقیقه و ۲۴ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۵۷ دقیقه و ۱۲ ثانیه شمالی قرار دارد. قدمت قسمت جنوبی میگون نو که به پاهنه مشهور است تا ابتدای نفت چشمه (تا تقاطع اول) به میزان بافت قدیمی شهر میگون است که طایفه رجیبی ساکن آن محل بودند و بناهای قدیمی مربوط به طایفه مذکور هنوز در این مکان یافت می‌شود؛ ساخت‌وسازها و تغییر کاربری میگون نو از سال ۱۳۷۵ شروع شد و از سال ۱۳۸۵ به بعد به اوج خود رسیده است. ناحیه شهری میگون نو از شمال به شهر شمشک و کوه آبک، از شرق به اراضی شهر فشم، روستای روته و دشت هامون، از غرب به بافت قدیم شهر میگون و از جنوب به رودخانه جاجرود و آبشار مُسَلَّم منتهی می‌گردد. با توجه به موقعیت ویژه میگون نو در جذب گردشگر، کاربری‌های جاذب سفر در این محدوده حائز اهمیت است (شکل ۳).



شکل ۳: پهنه‌بندی کلی شهر اوشان فشم میگون (Municipality of Oushan, Fasham and Meygoon)

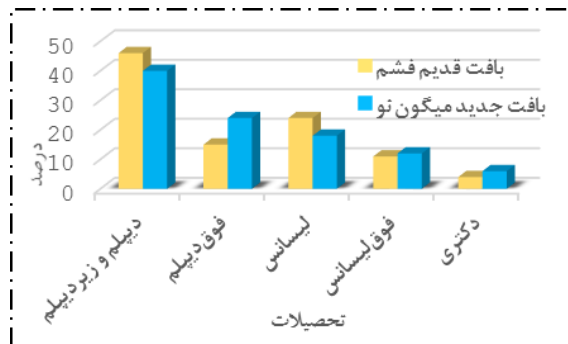
از لحاظ کاربری اراضی، در میگون نو هیچ مسجد، حسینیه یا هیئت مذهبی وجود ندارد و می‌توان گفت که با توجه به حجم بالای ساختمان‌ها در میگون نو، این کاستی قابل توجه است و همین امر، این محدوده را از لحاظ تطابق با معیارهای شهرسازی اسلامی دور می‌کند؛ چراکه مهم‌ترین عامل در اسلامی بودن کالبد یک شهر، وجود مسجد در آن محدوده است. برخلاف فشم، اکثر معابر میگون نو ماشین‌رو بوده و در حقیقت طراحی شهر سواره‌محور است (شکل ۴). میگون نو پهنه تجاری نداشته و ساکنین آن حتی برای تأمین مایحتاج روزانه مانند نان و غیره باید از ناحیه شهری میگون نو خارج شوند. لذا با توجه به مطالب فوق می‌توان چنین گفت که در واحد همسایگی میگون نو، ساکنین امکان پیاده‌روی و معاشرت با همسایگان را ندارند. با توجه به طراحی منطقه که سواره‌محور و مستلزم داشتن پارکینگ برای تمام خانه‌ها است، ورود و خروج ساکنین به ساختمان‌ها به پارکینگی که داخل ساختمان است محدود شده و این مسئله مانع از حضور فعال مردم در معابر و اماکن عمومی و آشنایی و معاشرت با یکدیگر می‌گردد. بلندمرتبه‌سازی از دیگر ویژگی‌های واحدهای همسایگی در میگون نو است. خانه‌ها به یکدیگر اشرافیت دارند و حریم شخصی دارای ضعف و کاستی است؛ و از سویی معماری این ابنیه نوساز به سبک غربی و متنوع بوده و هماهنگی بین نمای جداره‌ها در این محدوده مشاهده نمی‌شود.



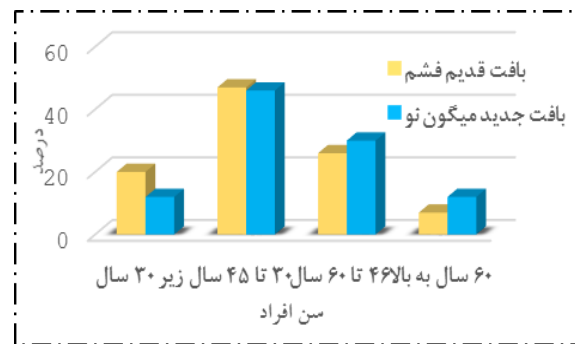
شکل ۴: خیابان‌ها و معابر عمومی شهر میگون نو (Municipality of Oushan, Fasham and Meygoon)

۶. بحث و تحلیل یافته‌های پژوهش

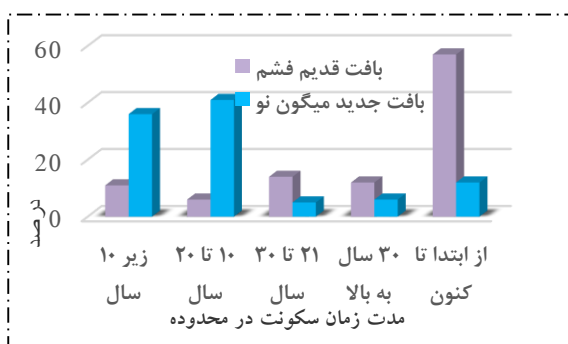
به منظور مقایسه تطبیقی شاخص‌های سنجشی این پژوهش از حیث بررسی ویژگی‌های واحد همسایگی در این محدوده و تطبیق آن با اصول شهرسازی اسلامی (بافت قدیم فشم به‌عنوان نمونه موردی آن) و دوره مدرن غرب (بافت جدید میگون نو به‌عنوان نمونه موردی آن)، علاوه بر استخراج شاخص‌های شهرسازی اسلامی و دوران مدرن غرب که برگرفته از اندیشه‌های نظریه‌پردازان در جداول ۱ و ۲ ارائه شد. به منظور تدقیق شاخص‌ها و دریافت آراء ساکنین این مناطق از وضعیت و شرایط زیستی پرسشنامه‌ای تدوین و حدود ۲۰۰ نفر از بافت قدیم شهر فشم و میگون نو مورد پرسش‌گری قرار گرفتند که محوریت سؤالات و نتیجه پرسشنامه در (جدول ۴) ارائه شده است. مواردی همچون میزان توجه به حفظ آداب و رسوم و سنت‌ها، میزان ارتباط با همسایگان، میزان امنیت محله، وجود ارتباطات فامیلی، کیفیت دسترسی‌ها، کیفیت حل مشکلات و مسائل شهری، میزان مشارکت‌های اجتماعی، میزان برگزاری آیین‌های مذهبی و میزان شرکت در مراسمات دینی، میزان پویایی اماکن عمومی و مذهبی و دیگر موارد، از جمله سؤالاتی بوده که مردم ساکن در محدوده به آنها پاسخ داده‌اند. از بین ۲۰۰ نفر از پرسش‌شوندگانی که در این پژوهش مورد پرسش‌گری قرار گرفتند، در بافت قدیم فشم، ۱۳۸ نفر (۶۹ درصد) مرد و ۶۲ نفر (۳۱ درصد) زن و در مقابل در بافت جدید میگون نو ۱۶۶ نفر (۸۳ درصد) مرد و ۳۴ نفر (۱۷ درصد) زن بوده‌اند؛ و بیشتر پرسش‌شوندگان بین ۳۰ تا ۴۵ سال سن داشتند و شغل اکثر افراد، شغل آزاد بوده است. نتایج بررسی آماری سن، شغل، تحصیلات و مدت زمان سکونت در محدوده، در (اشکال ۵، ۶، ۷ و ۸) مشاهده می‌شود.



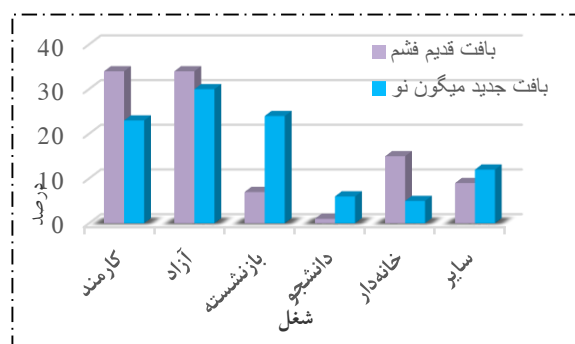
شکل ۶: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب میزان تحصیلات



شکل ۵: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب سن افراد



شکل ۸: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب مدت زمان سکونت در محدوده



شکل ۷: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب شغل افراد

از مقایسه میانگین‌های آماری به‌دست‌آمده برای هریک از این شاخص‌ها (بر اساس کدگذاری صورت گرفته در پرسشنامه توزیع شده بین پرسش‌شوندگان این پژوهش) در بافت قدیم فشم و بافت جدید میگون نو مشخص می‌شود که کدام‌یک از بافت‌ها

بیشتر با اصول شهرسازی اسلامی یا اصول مدرن غرب تطابق دارد. به بیانی بهتر، اگر بافت قدیم فشم در یکی از شاخص‌های سنجشی این پژوهش، میانگین آماری بالاتری داشته، بیانگر آن بوده که این بافت در قیاس با بافت جدید میگون نو بیشتر در تطابق با اصول شهرسازی اسلامی بوده است و اگر از میانگین آماری پایین‌تری برخوردار باشد، حاکی از آن است که بافت جدید میگون نو در قیاس با بافت قدیم فشم بیشتر در تطابق با اصول شهرسازی دوره مدرن غرب گام برداشته است. شاخص‌ها و میانگین‌های آماری در (جدول ۴) آمده است.

جدول ۴: مقایسه تطبیقی بین واحدهای همسایگی در بافت قدیم فشم و بافت جدید میگون نو از منظر تطبیق آن‌ها با اصول شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب

مفهوم	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	میانگین‌های آماری	
			بافت قدیم فشم	بافت جدید میگون نو
اجتماعی		همبستگی اجتماعی در کارها	۱/۹	۱/۷
		میزان حس تعلق ساکنان به محل سکونت	۳/۳۲	۲/۹۳
		وجود تشکل‌های مذهبی در محله	۱/۹۸	۱/۷۰
		وجود داشتن مفهوم محله در بافت شهر	۱/۹۷	۱/۷۶
		اعتماد و امنیت نسبت به همسایه‌ها در محله	۳/۳۷	۲/۸۱
		شناخت همسایگان و افراد محله	۳/۳۳	۳/۴
		وجود نسبت فامیلی در محله	۳/۵۷	۳/۱۷
		آزادی ساکنان در فضاهای شهری و محله	۲/۸۴	۳/۳۴
		رعایت حق همسایه از منظر آزار و اذیت	۲/۳۷	۳/۴
		تشخیص قلمرو محله توسط ساکنان	۱/۸۵	۱/۶۵
		تعامل میان همسایه‌ها در سطح محلات	۲/۶۸	۳/۵۸
فرهنگی - مذهبی		تشخیص ورود افراد غریبه به محلات توسط ساکنان	۳/۳۵	۳/۱۶
		گردآمدن محلات متأثر از عواملی مانند قوم، نژاد، فرهنگ و غیره	۱/۸	۱/۷۶
		وجود مسجد در ناحیه‌های شهری	۲	۱/۷
		میزان پویایی مسجد و برگزاری نمازهای جماعت در آن	۱/۹	۱/۷۶
		برگزاری مراسمات دینی مانند محرم و شعبان در سطح شهر	۲	۱/۷
		حفظ آداب و رسوم گذشته	۲	۳/۷۶
		اهمیت مذهب برای افراد محله	۲/۷۹	۳/۳۴
		رعایت پوشش اسلامی در محله	۳/۱۴	۳/۲۲
		استفاده از اسامی معنوی و شهدا در نام‌گذاری کوچه‌ها	۳/۳۲	۲/۶۲
		سنت وقف در سطح محلات شهر	۲/۳۴	۲/۵۸
		پخش شدن اذان در ساعات اوقات شرعی در سطح شهر	۱/۹۳	۱/۷۶
کالبدی		وجود عالم دینی و در دسترس بودن آن در سطح شهر	۱/۹۵	۱/۷۶
		برگزاری راهپیمایی‌های مذهبی مانند روز قدس در سطح شهر	۱/۹۷	۱/۷۶
		وجود پوشش‌های نامتعارف یا خودروهای لوکس در سطح شهر	۲/۱۱	۳/۶۴
		مهم بودن حفظ حریم خصوصی برای اهالی محله	۲/۵۲	۳/۴
		وضعیت دسترسی در محلات	۱/۷۳	۱/۷
		وجود معماری و مدل‌های متنوع و نامتعارف در محله	۳/۰۱	۳/۱۱
		وضعیت ارتفاعی ساختمان‌های محله	۱/۷۱	۱/۶۵
		مدیریت و حل و فصل مسائل و مشکلات به صورت کدخدانمشی	۲/۳۳	۳/۴۶
		اعتماد ساکنان به همسایگان	۲/۹۳	۳/۲۸
		مجموع	۷۶/۰۱	۸۰/۵۶

بافت قدیم فشم و بافت جدید میگون نو از منظر تطبیق آن‌ها با اصول شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب

با توجه به مجموع میانگین‌های به‌دست‌آمده برای شاخص‌های سنجشی پژوهش (جدول ۳) در بافت قدیم فشم (۷۶/۰۱) و بافت جدید میگون نو (۸۰/۵۶)، مشخص می‌شود که واحدهای همسایگی در بافت جدید میگون نو در قیاس با بافت قدیم فشم از منظر شاخص‌های سنجشی این پژوهش، با اصول شهرسازی دوران مدرن غرب تطابق بیشتری دارد؛ اما باید اذعان داشت که شاخص‌های سنجشی و دربرگیرنده اصول شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب از ارزش و اهمیت یکسانی برخوردار نیستند؛ بنابراین برای از بین بردن این تفاوت‌ها باید به محاسبه وزن برای شاخص‌های موردنظر اقدام کرد و این وزن‌ها در میانگین آماری شاخص‌ها ضرب شود. برای محاسبه وزن شاخص‌ها از روش‌های مختلفی می‌توان استفاده کرد که یکی از مهم‌ترین این روش‌ها، بهره‌گیری از روش پنل متخصصان و کارشناسان است؛ بدین منظور در این پژوهش از ۹ نفر، متخصصان و پژوهشگران حوزه مرتبط با موضوع پژوهش خواسته شد تا به هریک از شاخص‌های مؤثر بر اصول شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب برحسب طیف لیکرت امتیازی بین ۱ تا ۵ داده شود. پس از امتیازدهی به شاخص‌های سنجشی این پژوهش (مبتنی بر اهمیت آن‌ها از دید متخصصان)، مجموع امتیاز هر شاخص محاسبه شده و سپس تمامی این امتیازها با هم‌دیگر جمع و در ادامه امتیاز هر شاخص بر مجموع امتیازها، تقسیم شده تا وزن هر شاخص به دست آید (جدول ۵).

جدول ۵: وزن شاخص‌های سنجشی پژوهش مبتنی بر نظر متخصصان و نخبگان

وزن دهی مبتنی بر نظر متخصصان		شاخص‌ها
وزن	امتیاز	
۰/۰۲۸	۲۸	همبستگی اجتماعی در کارها
۰/۰۲۱	۲۱	میزان حس تعلق ساکنان به محل سکونت
۰/۰۴	۴۰	وجود تشکل‌های مذهبی در محله
۰/۰۲۸	۲۸	وجود داشتن مفهوم محله در بافت شهر
۰/۰۳۸	۳۷	اعتماد و امنیت نسبت به همسایه‌ها در محله
۰/۰۳	۳۰	شناخت همسایگان و افراد محله
۰/۰۱۶	۱۶	وجود نسبت فامیلی در محله
۰/۰۳۳	۳۳	آزادی ساکنان در فضاهای شهری و محله
۰/۰۴	۴۰	رعایت حق همسایه از منظر آزار و اذیت
۰/۰۱۷	۱۷	تشخیص قلمرو محله توسط ساکنان
۰/۰۳۳	۳۳	تعامل میان همسایه‌ها در سطح محلات
۰/۰۲۲	۲۲	تشخیص ورود افراد غریبه به محلات توسط ساکنان
۰/۰۲۴	۲۴	گردآمدن محلات متأثر از عواملی مانند قوم، نژاد، فرهنگ و غیره
۰/۰۴۲	۴۱	وجود مسجد در ناحیه‌های شهری
۰/۰۴۳	۴۲	میزان پویایی مسجد و برگزاری نمازهای جماعت در آن
۰/۰۴	۴۰	برگزاری مراسمات دینی مانند محرم و شعبان در سطح شهر
۰/۰۲۵	۲۵	حفظ آداب و رسوم گذشته
۰/۰۳۷	۳۷	اهمیت مذهب برای افراد محله
۰/۰۳۹	۳۸	رعایت پوشش اسلامی در محله
۰/۰۳۵	۳۵	استفاده از اسامی معنوی و شهدا در نام‌گذاری کوچه‌ها
۰/۰۳۵	۳۵	سنت وقف در سطح محلات شهر
۰/۰۳۶	۳۶	پخش شدن اذان در ساعات اوقات شرعی در سطح شهر
۰/۰۴	۴۰	وجود عالم دینی و در دسترس بودن آن در سطح شهر
۰/۰۳	۳۰	برگزاری راهپیمایی‌های مذهبی مانند روز قدس در سطح شهر
۰/۰۳۵	۳۵	وجود پوشش‌های نامتعارف یا خودروهای لوکس در سطح شهر

وزن دهی مبتنی بر نظر متخصصان		شاخص‌ها
وزن	امتیاز	
۰/۰۳۹	۳۸	مهم بودن حفظ حریم خصوصی برای اهالی محله
۰/۰۲۵	۲۵	وضعیت دسترسی در محلات
۰/۰۲۹	۲۹	وجود معماری و مدل‌های متنوع و نامتعارف در محله
۰/۰۲۷	۲۷	وضعیت ارتفاعی ساختمان‌های محله
۰/۰۲۹	۲۹	مدیریت و حل‌وفصل مسائل و مشکلات به‌صورت کدخدانمشی
۰/۰۳۶	۳۶	اعتماد ساکنان به همسایگان
۱	۹۸۷	مجموع

پس از محاسبه وزن هر شاخص (جدول ۵)، وزن آن‌ها در میانگین آماری ضرب شده تا امتیاز نهایی برای هریک از بافت‌های قدیم فشم و بافت جدید میگون نو به‌منظور قیاس تطبیقی استاندارد آن‌ها از منظر تطبیق آن‌ها با اصول شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب محاسبه شود (جدول ۶).

جدول ۶: مقایسه تطبیقی استاندارد بین واحدهای همسایگی در بافت قدیم فشم و بافت جدید میگون نو از منظر تطبیق آن‌ها با اصول شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب

امتیاز نهایی		میانگین‌های آماری		وزن	شاخص‌ها
بافت جدید میگون نو	بافت قدیم فشم	بافت جدید میگون نو	بافت قدیم فشم		
۰/۰۴۷۶	۰/۰۵۳۲	۱/۷	۱/۹	۰/۰۲۸	همبستگی اجتماعی در کارها
۰/۰۶۱۶	۰/۰۶۹۷	۲/۹۳	۳/۳۲	۰/۰۲۱	میزان حس تعلق ساکنان به محل سکونت
۰/۰۶۸	۰/۰۷۹۲	۱/۷۰	۱/۹۸	۰/۰۴	وجود تشکل‌های مذهبی در محله
۰/۰۴۹۳	۰/۰۵۵۲	۱/۷۶	۱/۹۷	۰/۰۲۸	وجود داشتن مفهوم محله در بافت شهر
۰/۱۰۶۸	۰/۱۲۸	۲/۸۱	۳/۳۷	۰/۰۳۸	اعتماد و امنیت نسبت به همسایه‌ها در محله
۰/۱۰۲	۰/۰۹۹۹	۳/۴	۳/۳۳	۰/۰۳	شناخت همسایگان و افراد محله
۰/۰۵۰۸	۰/۰۵۷۲	۳/۱۷	۳/۵۷	۰/۰۱۶	وجود نسبت فامیلی در محله
۰/۱۱۰۲	۰/۰۹۳۸	۳/۳۴	۲/۸۴	۰/۰۳۳	آزادی ساکنان در فضاهای شهری و محله
۰/۱۳۶	۰/۰۹۴۸	۳/۴	۲/۳۷	۰/۰۴	رعایت حق همسایه از منظر آزار و اذیت
۰/۰۲۸۱	۰/۰۳۱۵	۱/۶۵	۱/۸۵	۰/۰۱۷	تشخیص قلمرو محله توسط ساکنان
۰/۱۱۸۲	۰/۰۸۸۵	۳/۵۸	۲/۶۸	۰/۰۳۳	تعامل میان همسایه‌ها در سطح محلات
۰/۰۶۹۶	۰/۰۷۳۷	۳/۱۶	۳/۳۵	۰/۰۲۲	تشخیص ورود افراد غریبه به محلات توسط ساکنان
۰/۰۴۲۳	۰/۰۴۳۲	۱/۷۶	۱/۸	۰/۰۲۴	گردآمدن محلات متأثر از عواملی مانند قوم، نژاد، فرهنگ و غیره
۰/۰۷۱۴	۰/۰۸۴	۱/۷	۲	۰/۰۴۲	وجود مسجد در ناحیه‌های شهری
۰/۰۷۵۷	۰/۰۸۱۷	۱/۷۶	۱/۹	۰/۰۴۳	میزان پویایی مسجد و برگزاری نمازهای جماعت در آن
۰/۰۶۸	۰/۰۸	۱/۷	۲	۰/۰۴	برگزاری مراسمات دینی مانند محرم و شعبان در سطح شهر
۰/۰۹۴	۰/۰۵	۳/۷۶	۲	۰/۰۲۵	حفظ آداب‌ورسوم گذشته
۰/۱۲۷	۰/۱۰۶	۳/۳۴	۲/۷۹	۰/۰۳۷	اهمیت مذهب برای افراد محله
۰/۱۲۵۶	۰/۱۳۲۵	۳/۲۲	۳/۱۴	۰/۰۳۹	رعایت پوشش اسلامی در محله
۰/۰۹۱۷	۰/۱۱۶۲	۲/۶۲	۳/۳۲	۰/۰۳۵	استفاده از اسامی معنوی و شهدا در نام‌گذاری کوچه‌ها
۰/۰۹۰۳	۰/۰۸۱۹	۲/۵۸	۲/۳۴	۰/۰۳۵	سنت وقف در سطح محلات شهر
۰/۰۶۳۴	۰/۰۶۹۵	۱/۷۶	۱/۹۳	۰/۰۳۶	پخش شدن اذان در ساعات اوقات شرعی در سطح شهر

امتیاز نهایی		میانگین‌های آماری		وزن	شاخص‌ها
بافت جدید میگون نو	بافت قدیم فشم	بافت جدید میگون نو	بافت قدیم فشم		
۰/۰۷۰۴	۰/۰۷۸	۱/۷۶	۱/۹۵	۰/۰۴	وجود عالم دینی و در دسترس بودن آن در سطح شهر
۰/۰۵۲۸	۰/۰۵۹۱	۱/۷۶	۱/۹۷	۰/۰۳	برگزاری راهپیمایی‌های مذهبی مانند روز قدس در سطح شهر
۰/۱۲۷۴	۰/۰۷۳۹	۳/۶۴	۲/۱۱	۰/۰۳۵	وجود پوشش‌های نامتعارف یا خودروهای لوکس در سطح شهر
۰/۱۳۲۶	۰/۰۹۸۳	۳/۴	۲/۵۲	۰/۰۳۹	مهم بودن حفظ حریم خصوصی برای اهالی محله
۰/۰۴۲۵	۰/۰۴۳۳	۱/۷	۱/۷۳	۰/۰۲۵	وضعیت دسترسی در محلات
۰/۰۹۰۲	۰/۰۸۷۳	۳/۱۱	۳/۰۱	۰/۰۲۹	وجود معماری و مدل‌های متنوع و نامتعارف در محله
۰/۰۴۴۶	۰/۰۴۶۲	۱/۶۵	۱/۷۱	۰/۰۲۷	وضعیت ارتفاعی ساختمان‌های محله
۰/۱۰۰۴	۰/۰۶۷۶	۳/۴۶	۲/۳۳	۰/۰۲۹	مدیریت و حل و فصل مسائل و مشکلات به صورت کدخدامشی
۰/۱۱۸۱	۰/۱۰۵۵	۳/۲۸	۲/۹۳	۰/۰۳۶	اعتماد ساکنان به همسایگان
۲/۵۸	۲/۴۲	۸۰/۵۶	۷۶/۰۱	۱	مجموع

امتیاز نهایی به دست آمده برای بافت قدیم فشم (۲/۴۲) و بافت جدید میگون نو (۲/۵۸)، نشان می‌دهد که واحدهای همسایگی در بافت جدید میگون نو در قیاس با بافت قدیم فشم از منظر شاخص‌های سنجشی این پژوهش، بیشتر با اصول مدرن غرب تطابق دارد.

همان‌طور که گفته شد، شکل‌گیری ناحیه شهری میگون نو به صورت فعلی، از قدمت زیادی برخوردار نبوده و قدمت آن به دهه ۸۰ برمی‌گردد؛ و دو عامل باعث آن شده است تا میگون نو به مکانی با فرهنگ ساخت‌وساز غالب غربی بدل شود. اول، میگون نو ساکن بومی نداشته و عاری از هرگونه فرهنگی خاص و کاملاً مستعد پذیرش فرهنگی جدید بوده است. دوم، با توجه به گرانی اراضی و املاک میگون نو فقط قشر مرفه جامعه توان خرید در آن منطقه را داشته‌اند و به خاطر نزدیکی آن به شهر تهران، گسیل جمعیت را از شهر تهران به آن منطقه داشته است؛ و با توجه به سنجش‌های آماری به نظر می‌رسد اکثریت جمعیت متمول جامعه، فرهنگ غربی و نوین را به رسوم سنتی ترجیح می‌دهند و مشاهده می‌شود که فضایی تجددگرایانه، میگون نو را فراگرفته است. نتیجه پرسش‌گری که توسط اهالی میگون نو در مورد فضای شهرسازی آن انجام شده است نیز، بر غربی بودن شهرسازی و معماری میگون نو صحنه می‌گذارد و مؤکد این موضوع است که فضای شهری میگون نو متأثر از سبک غربی است؛ اما شرایط در بافت قدیم فشم به گونه‌ای دیگر است و با توجه به قدمت بسیار زیاد فشم، این محدوده تا حد امکان آداب و رسوم کهن خود را حفظ نموده، مفهوم هویت محلی را نگاه داشته و ساکنان آن از پیوندی عمیق و همبستگی اجتماعی بالایی برخوردار هستند؛ و در اکثر شاخص‌های مورد مطالعه قرار گرفته، این بافت به اصول و مبانی شهرسازی اسلامی نزدیک‌تر است که البته با توجه به فرسوده بودن بافت این محدوده و نیاز به تخریب و ساخت‌وسازهای جدید، در صورت عدم توجه به این اصول و ارزش‌های غنی، احتمال می‌رود چنین خصوصیتی در آینده، رنگ بازد و شرایطی همچون میگون نو برای این قسمت نیز حاکم شود.

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در راستای بررسی ویژگی‌های واحدهای همسایگی در بافت قدیم فشم و جدید میگون نو و تطابق آن با ویژگی‌های شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب به رشته تحریر درآمده است. در ابتدا مبانی و مفاهیم نظری در باب واحدهای همسایگی و ویژگی‌های آن در شهرسازی دوران اسلامی و دوره مدرن غرب مورد مطالعه قرار گرفت و سپس به تدوین

چارچوب سنجشی این پژوهش مبتنی بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های تلفیقی به منظور قیاس تطبیقی بین بافت‌های قدیم و جدید فشم و میگون نو و تطابق آن با اصول شهرسازی اسلامی و دوران مدرن غرب مبادرت شد و در ادامه با پرسش‌گری هدفمند از ۲۰۰ نفر از هریک از ساکنان این دو محدوده، با استفاده از میانگین‌های آماری به سنجش تطبیقی این شاخص‌ها اقدام شد. با توجه به آنکه شاخص‌های سنجشی و دربرگیرنده اصول شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب از ارزش و اهمیت یکسانی برخوردار نیستند، بنابراین برای از بین بردن این تفاوت‌ها می‌بایست به محاسبه وزن برای شاخص‌های موردنظر اقدام کرده تا این وزن‌ها در میانگین آماری شاخص‌ها ضرب و از لحاظ مطالعات علمی و پژوهشی نتایج حاصله از صحت بالاتری برخوردار شوند. برای محاسبه وزن شاخص‌ها از روش‌های مختلفی می‌توان استفاده کرد که یکی از مهم‌ترین این روش‌ها، بهره‌گیری از روش پنل متخصصان و کارشناسان است؛ در نتیجه در این پژوهش از ۹ نفر از متخصصان و پژوهشگران حوزه مرتبط با موضوع پژوهش برای وزن‌دهی به شاخص‌ها بر مبنای طیف لیکرت و تدقیق روش پژوهش و نتیجه نهایی، بهره گرفته شد.

پس از مقایسه تفصیلی شاخص‌های سنجشی در بافت قدیم فشم و بافت جدید میگون نو از منظر تطبیق ویژگی واحدهای همسایگی آن‌ها با اصول شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب، در مجموع بافت قدیم فشم از منظر شاخص‌های سنجشی این پژوهش امتیاز نهایی ۲/۴۲ و بافت جدید میگون نو امتیاز نهایی ۲/۵۸ را کسب نمودند؛ این امر بیانگر آن بود که بافت جدید میگون نو در قیاس با بافت قدیم فشم بیشتر با اصول و شاخصه‌های شهرسازی دوره‌ی مدرن غرب تطابق دارد و بافت قدیم فشم به اصول شهرسازی اسلامی نزدیک‌تر است. در بافت قدیم فشم، احساس همبستگی اجتماعی، ارتباطات همسایگی، حفظ آداب‌ورسوم کهن، امنیت واحدهای همسایگی، کارکرد پویای فضاهای اجتماعی به خصوص فضاهای مذهبی همچون مسجد، حسینیه، تکیه، عدم اشراف ساختمان‌ها به یکدیگر، پیاده‌محوری، آرامش و آسایش محیطی، معماری همخوان با محیط و سنت و تمام مواردی که در (جدول ۶) در متن مقاله ذکر شد، پررنگ‌تر و قوی‌تر از بافت میگون نو بوده و می‌تواند به عنوان یکی از فضاهایی در استان تهران که علی‌رغم هجوم سبک و سیاق‌های ساخت‌وساز و زندگی دوران مدرنیته، از این هجمه تا حدودی دور بوده است و بافت سنتی و کهن خود را چه از منظر کالبدی و چه از منظر روابط اجتماعی حفظ نموده، مورد مطالعه، بررسی و حفاظت قرار گیرد. به عنوان مطالعات و برنامه‌ریزی در تحقیقات آتی و توسط سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که از منظر کالبدی بالأخص در محدوده بافت قدیم فشم، مطالعات عمیقی صورت گیرد. برداشتهای میدانی، ترسیم نقشه‌ها و کروکی‌ها از وضع موجود بافت قدیم فشم پیشنهاد می‌گردد. با توجه به وجود بافت فرسوده قابل توجه در فشم و احتمال تخریب این بافت در آینده برای ساخت‌وسازهای جدید، پیشنهاد می‌شود که شهرداری و وضع قوانین ارزش‌شمند جهت عدم تخریب بافت کهن و در نظر گرفتن قوانین برای ساخت‌وسازهای نوین را در دستور کار قرار دهد. انجام مطالعات آینده‌پژوهی و تصویر آینده مطلوب در این بافت و آینده محتمل و برنامه‌ریزی جهت رسیدن به آینده مطلوب، به عنوان مطالعات آتی در این محدوده قویاً توصیه می‌گردد.

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی شهری نویسنده اول با عنوان «بررسی ویژگی‌های واحد همسایگی در بافت قدیم و جدید محله‌های فشم و میگون نو و تطبیق آن با اصول شهرسازی اسلامی و دوره مدرن غرب» است که با راهنمایی نویسنده دوم در گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، در سال ۱۴۰۱ انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

در مقاله حاضر کلیه نویسندگان از سهم مشارکت یکسان برخوردار هستند.

- Amini Hajibashi, M., Rezai, M., & Bandarabad, A. (2019). A Comparative Study about Urban Morphology Patterns in Contemporary Iranian and European Cities, Rey in Iran and Siena in Italy. *Human Geography Research Quarterly*, 51 (4): 825-1130. [in Persian].
- امینی حاجی‌باشی، مهسا؛ رضایی، محمود و بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی الگوی رایج ریخت‌شناسی شهرهای ایران و اروپا در دوره مقارن با اسلام. (مطالعه موردی: شهر ری در ایران و سیه‌نا در ایتالیا). نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۱(۴): ۸۵۳-۸۷۰.
- Araki, M. (2019). *Jurisprudence of urban development*. Qom: Andisheh Nab Mandegar. [in Persian].
- اراکي، محسن. (۱۳۹۸). فقه عمران شهری. قم: اندیشه ناب ماندگار.
- Google earth, <http://www.earth.google.com>, December, 2022.
- Jige Quan, S. (2019). Smart Design for Sustainable Neighborhood Development. *Energy Procedia*. 158: 6515-6520.
- Linsey, L. (2021). *Spectral Urbanism: Modern Ghost Cities, Rare Earths, and Political Time at the Limits of Materialism*. CUNY Academic Works.
- Mehdizadeh, M., Dashti, F., & Alishiri, S. (2016). Continuity of home and city; The Iranian house is a part of the neighborhood system with an emphasis on the values of the Islamic city. *Urban Management Quarterly*, 43: 343-366. [in Persian].
- مهدی‌زاده، میثم؛ دشتی، فرشاد و علیشیری، سکینه. (۱۳۹۵). هم‌پوستاری خانه و شهر؛ خانه ایرانی جزئی از نظام همسایگی و محله با تأکید بر ارزش‌های شهر اسلامی. فصلنامه مدیریت شهری، ۴۳: ۳۶۶-۳۴۳.
- Mir Mohammad Hossein Fashami S. A, & Mohtasham Amiri, S. (2022). A look at the role of urban space in improving the quality of social relations (case study: Fashm city). The second international conference on architecture, civil engineering, urban planning, environment and Islamic art in the statement of the second step of the revolution. Tabriz, Iran, 8 december. [in Persian].
- میرمحمدحسین فشمی، سیدامیر و محتشم امیری، سعیده. (۱۴۰۱). نگاهی بر نقش فضای شهری در ارتقاء کیفیت روابط اجتماعی (مطالعه موردی: شهر فشم). دومین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز. ۱۷ آذر.
- Mirktooli, J. (2015). Analyzing the formation of neighborhood units as the axis of the formation and development of Turkmen-inhabited cities (case study: Agh ghala city). *Journal of research and urban planning*, 6(20): 1-16. [in Persian].
- میرکتولی، جعفر. (۱۳۹۴). تحلیل شکل‌گیری واحدهای همسایگی به‌عنوان محور تشکیل و توسعه شهرهای ترکمن‌نشین (مطالعه موردی: شهر آق‌قلا). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۶(۲۰): ۱-۱۶.
- Mohajan, H. (2019). The First Industrial Revolution: Creation of a New Global Human Era. *Journal of Social Sciences and Humanities*, 5(4): p. 377-387.
- Motahar, R., Jalili Sadrabad, S., & Alizadeh, R. (2021). Comparative comparison of new and old neighborhoods based on identity (Islamic-Iranian) in urban planning (Study example: Hakimiyeh and Narmak, Tehran). *Islamic Architecture Research Quarterly*, 9(32): 81-114. [in Persian].
- مطهر، رضا؛ جلیلی صدرآباد، سمانه و علیزاده، رضا. (۱۴۰۰). مقایسه تطبیقی محله‌های نوساز و قدیمی مبتنی بر هویت (اسلامی- ایرانی) در شهرسازی (نمونه مطالعاتی: حکیمیه و نارمک شهر تهران)، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۹(۳۲): ۸۱-۱۱۴.
- Municipality of Oushan, Fasham and Meygoon.
- Naghizadeh, M. (2019). Analysis on religious and literary texts in Islamic urban planning. Tehran: Khurshid Baran. [in Persian].
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۸). تأملاتی در متون دینی و ادبی در شهرسازی اسلامی. تهران: خورشید باران.
- Nasr, T. (2015). The position of the housing architecture paradigm in today's image of the Iranian-Islamic city. *Iranian Islamic Quarterly*, 6(2): 67-78. [in Persian].
- نصر، طاهره. (۱۳۹۴). جایگاه پارادایم معماری مسکن در سیمای امروز شهر ایرانی- اسلامی. فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، ۶(۲۲): ۶۷-۷۸.
- Navabakhsh, M., & Rafiei Far, M. (2018). Sociological investigation of neighborhood relations in residential complexes of Tehran (case study: district 2 of the municipality). *Journal of Contemporary Sociology*, 1(1): 52-65. [in Persian].
- نوابخش، مهرداد و رفیعی‌فر، مریم. (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی شهر تهران (مطالعه موردی: منطقه دو شهرداری). مجله جامعه‌شناسی معاصر، ۱(۱): ۵۲-۶۵.
- Noghrekar, A., Hamzeh Nejad, M., & Moin Mehr, S. (2013). Recognition and Analysis of Environmental Issues of Architecture and Urban Design, From the Viewpoint of Islam (The Scope of the Qur'an and Narrations). *Armanshahr Architecture and Urbanism Quarterly*, 7(13): 119-135. [in Persian].
- نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه‌نژاد، مهدی و معین‌مهر، صدیقه. (۱۳۹۲). شناخت و تحلیل مسائل طراحی محیط معماری و شهرسازی از منظر اسلامی (در گستره قرآن و روایات). فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، دوره ۷(۱۳): ۱۱۹-۱۳۵.

- Okhovat, H., Bemanian, M. R., & Almasifar, N. (2014). Architecture and traditional urban planning in Islamic countries. Tehran: Tahan. [in Persian].
 اخوت، هانیه؛ بمانیان، محمدرضا و الماسیفر، نینا. (۱۳۹۳). معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی. تهران: طحان.
- Pourahmad, A., & Wafaei, A. (2015). Comparative comparison of Islamic city structure with Western city (with emphasis on Max Weber's city theory). *Iranian Islamic City Studies Quarterly*, 18: 5-12. [in Persian].
 پوراحمد، احمد و وفايي، ابوذر. (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی ساختار شهر اسلامی با شهر غربی (با تأکید بر نظریه شهر ماکس وبر). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۱۸: ۵-۱۲.
- Pourahmad, A., & Wafaei, A. (2017). The impact of modernism on the physical-spatial structure of an Iranian-Islamic city (case study: Kashan city). *Iranian Islamic City Studies Quarterly*, 17(28): 63-76. [in Persian].
 پوراحمد، احمد و وفايي، ابوذر. (۱۳۹۶). تأثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی-فضایی شهر ایرانی-اسلامی (مطالعه موردی: شهر کاشان). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۷(۲۸): ۶۳-۷۶.
- Rahnemai, A. (2016). *Western studies*. Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute. 15th edition. [in Persian].
 رهنمایی، احمد. (۱۳۹۵). غرب‌شناسی. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ پانزدهم.
- Randolph, G. F & Storper, M. (2023). Is urbanization in the Global South fundamentally different? Comparative global urban analysis for the 21st century. *Urban Studies*. 60(1): 3-25.
- Rohe, W. M. (2009). From Local to Global, one Hundred Years of Neighborhood Planning. *Journal of the American Planning Association*, 75(2): 209-230.
- Shafii, H. (2000). Postmodernism in urban planning. *Urban and Rural Management Quarterly*, 1: 70-72. [in Persian].
 شفیعی، حسن. (۱۳۷۹). پست مدرنیسم در شهرسازی. فصلنامه مدیریت شهری و روستایی، ۱: ۷۰-۷۲.
- Shieh, I. (2005). *with city and region in Iran*. Tehran: University of Science and Technology Publications. [in Persian].
 شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۴). با شهر و منطقه در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- Shukri Yazdan Abad, S., Hamza Nejad, M., & Hosseini Moghadam, F. (2019). Measuring Iranian Islamic and human values during the transformation period of the city from traditional to modern context and the way to preserve it in future cities. *Urban Science Quarterly*, 3(4): 111-128. [in Persian].
 شکری یزدان‌آباد، شادی؛ حمزه‌نژاد، مهدی و حسینی‌مقدم، فاطمه. (۱۳۹۸). سنجش ارزش‌های ایرانی اسلامی و انسانی در ادوار دگردیسی شهر از بافت سنتی به مدرن و شیوه حفظ آن در شهرهای آینده. فصلنامه دانش شهرسازی، ۳(۴): ۱۱۱-۱۲۸.
- Souleimanzadeh, S., Habib, F., & Etisam, I. (2019). Conceptual model for evaluating the indicators of architectural space based on the adaptation of western and Iranian-Islamic perspectives. *Islamic Architecture Research Quarterly*, 7(2): 1-20. [in Persian].
 سلیمان‌زاده، سجاده؛ حبیب، فرح و اعتصام، ایرج. (۱۳۹۸). مدل مفهومی ارزیابی شاخص‌های فضای معماری بر مبنای تطبیق دیدگاه‌های غربی و ایرانی-اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۷(۲): ۱-۲۰.
- Thaghah Al-Islami, A., & Aminzadeh, B. (2013). A comparative study of the concepts and principles used in the Iranian neighborhood and the western neighborhood unit. *Hoyiat Shahr magazine*, 7(13): 33-45. [in Persian].
 تغه‌الاسلامی، عمیدالاسلام و امین‌زاده، بهناز. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به‌کاررفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی. نشریه هویت شهر، ۷(۱۳): ۳۳-۴۵.
- Tozandeh Jani, N., & Farzad Behtash, M. R. (2022). Examining the works of modernism in Iranian-Islamic urban planning (case study: Tabriz city). *Interdisciplinary studies of Iranian architecture*, 1 (2): 161-177. [in Persian].
 توزنده‌جانی، ناهید و فرزاد بهتاش، محمدرضا. (۱۴۰۱). بررسی آثار مدرنیسم در شهرسازی ایرانی-اسلامی (مورد مطالعه: شهر تبریز). مطالعات میان‌رشته‌ای معماری ایران، ۱(۲): ۱۶۱-۱۷۷.
- Vidarthi, S. (2015). *One Idea, Many Plans*. An American city design concept in independent India. Routledge.
- Zahed Zahedani, S. (2019). The meaning of modern and Islamic architecture and urban planning. *Sadra Journal of Islamic Humanities*, 30 & 31: 88-85. [in Persian].
 زاهدزاهدانی، سعید. (۱۳۹۸). معنای معماری و شهرسازی مدرن و اسلامی. مجله علوم انسانی اسلامی صدر، ۳۰ و ۳۱: ۸۵-۸۵.